

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبرنوروزی

۲۲ جنوری ۲۰۱۹

علیه سنگ اندازی در راه انقلاب

طبیعتاً در جامعه ایران نیز مانند هر جامعه طبقاتی دیگر در بر خورد به واقعیت های جامعه ایران و امر انقلاب که نیاز مبرم توده های مردم می باشد نگرش های گوناگونی وجود دارند و نمایندگان هر قشر و طبقه ای نظر و راهکار خاص خود را ارائه می دهند. هدف این مقاله آن است که برخی از آن نظرات و راه کارها را معرفی کرده و به آنها برخورد کند.

خیزش عظیم و مبارزات توده های گرسنه ایران (کارگران و زحمتکشان) که در دیماه [جدی] سال ۱۳۹۶ شروع شد نقطه عطفی در تاریخ مبارزاتی مردم میهن مان بود. این خیزش ۱۴۰ شهر و روستای کشور را به طغیان کشید، طغیانی که در تاریخ مبارزاتی کشور ایران بی سابقه بود. خیزش مردم گرسنه و زحمتکش که دیگر حکومت دزدان و غارتگران حاکم را باور ندارند امروز هم مسیر خود را تا نابودی دزدان و قاتلان طی می کند تا آنجا که امروز در دور افتاده ترین شهر و روستا مبارزات انقلابی زنان و مردان علیه رژیم وابسته جمهوری اسلامی در اشکال مختلف در جریان است.

شعارهایی مانند مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر اصل ولایت فقیه، اصلاح طلب، اصول گرا - دیگه تمومه ماجرا و... نان، کار، آزادی که از ابتدا توسط مردم ایران که تمام کارگران و اقشار خرده بورژوازی شهر و روستا را در بر میگیرد، سر داده شدند، نشان دهنده آن بودند که آنها خواستار پایان دادن به فقر و گرسنگی و دیکتاتوری عنان گسیخته یعنی خواستار بی چون و چرای سرنگونی رژیم و سیستم سرمایه داری وابسته در ایران هستند. همانطور که می دانیم ضد انقلاب جمهوری اسلامی عمده بودجه مملکت را برای اجرای سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیست ها در منطقه خاور میانه خرج میکند تا جایی که مردم در شعارهایشان فریاد "سوریه را رها کن فکری بحال ما کن" را سر میدهند. دزدی و مسئولین دزد در رژیم جمهوری اسلامی هم امروز بر هیچ کسی پوشیده نیست و فساد درونی و بیرونی حاکمیت جان مردم را به لب رسانده است. مسئولین دزد حتی از کیسه بازنشستگان و سپرده های مردم هم چشم پوشی نکرده اند. همه این واقعیات فشارهای اقتصادی زیادی بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار داده است. در واقع امروز دیگر کارد به استخوان توده مردم رسیده، پدیده هایی مانند زباله گردی برای بدست آوردن غذا، کودکان کار، کودکان خیابانی، فروش اجزای بدن، گسترش حاشیه نشینی، کپرنشینی، گورخوایی و هزاران هزار مصائب و مشکلات دیگر مردم که تحت نظام اقتصادی حاکم چشم اندازی برای پایان آن نیست به امری معمول در ایران تبدیل شده است. به گفته

رسانه های خود رژیم از بیش از ۸۰ میلیون نفر جمعیت کشور ۴۵ میلیون نفر به زیر خط فقر کشیده شده اند و همه میدانند با این شرایط اسفناک زندگی مردم ، رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی پاسخی جز تشدید جنایت و کشتار ندارد.

در تاریخ ایران، نگرشی که همواره ضربات مهلکی به جنبش وارد آورده و مانند خوره از داخل به متلاشی کردن انقلاب پرداخته است نگرش رفرمیستی است. این نگرش در حالی که ایراداتی به وضع موجود دارد ولی همیشه خواهان حفظ نظام های ظالمانه حاکم می باشد. امروز هم این نگرش با عوامفریبی و فرصت طلبی ، خواهان به انحراف کشیدن مبارزات انقلابی و رادیکال توده ها است. این عوام فریبان (رفرمیست ها - اصلاح طلبان -اپورتونیست ها) چشم خود را در مقابل واقعیت های عینی جامعه بسته و خواسته ها و شرایط دردناک مردم را نادیده گرفته و مردم را از مبارزه قاطع و رادیکال علیه دشمنانشان باز می دارند و خواهان مبارزه مسالمت آمیز می شوند. این نابینایان هنوز باور ندارند که سرکوب و خفقان و دیکتاتوری حاکم بر توده ها راهی به جز مبارزه قهر آمیز برای آنان باقی نگذاشته، و جواب آتش را با آتش باید داد.

در چنین شرایطی رسانه های امپریالیستی می کوشند با تبلیغات رنگارنگ نگرش ها و دیدگاه های ضد انقلابی در جامعه که مسلما مربوط به طبقه سرمایه داران و یا خرده بورژواهای پیرو آنهاست را تقویت کنند. یکی از تبلیغات آنها نفی ضرورت مسلح شدن توده های تحت ستم ایران و مبارزه برای سرنگونی رژیم و از بین بردن سیستم سرمایه داری است. رفرمیست ها - اصلاح طلبان که خواهان حفظ نظام های ظالمانه موجود هستند هر گونه مبارزه مسلحانه را رد نموده و تحت عنوان مبارزه علیه خشونت سعی در انحراف مسیر مبارزات انقلابی و رادیکال توده ها را دارند. اما واقعیت این است که رژیم دیکتاتور حاکم در طی دوران حاکمیت خود ارمغانی جز جنگ ، زندان ، اعدام ، فقر ، بیکاری و فحشاء و هزاران مصائب و مشکلات دیگر برای مردم نداشته است. در نتیجه اصلاح طلبان با تبلیغ ایده های اصلاح طلبی خود و نفی هر گونه مبارزه رادیکال از طرف مردم علیه جمهوری اسلامی خواهان بردن مردم به نا کجا آباد هستند.

در این میان افراد و جریاناتی هم هستند که به اسم چپ خود را معرفی کرده و با اسم طبقه کارگر تبلیغات زهر آگینی را پخش می کنند. آنها اگر چه مطرح می کنند که در نهایت وقتی توده ها به قیام برخاستند موافق مبارزه مسلحانه و قهر انقلابی مردم خواهند بود ولی واقعیت نشان داد که وقتی توده های گرسنه و تهی دست در ۱۴۰ شهر و روستای ایران دست به قیام زدند آنها باز توده ها را به انجام مبارزه مسالمت آمیز دعوت کردند. این نابینایان هنوز باور ندارند که سرکوب و خفقان و دیکتاتوری حاکم بر توده ها راهی به جز مبارزه قهر آمیز در مقابل توده ها به جای نگذاشته است ، و جواب آتش را با آتش باید داد. به همین خاطر عملا خواهان مبارزه مسالمت آمیز بوده و این راه را با ادبیات خاص خود به خورد مردم می دهند، که نهایتا آگاهانه یا نا آگاهانه در خدمت اهداف ظالمانه رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی قرار دارد.

تبلیغ دیگری که از طرف رسانه های ارتجاعی پخش شده است مربوط به رضا شاه می باشد. در شرایطی که مبارزات انقلابی مردم، رژیم جمهوری اسلامی را به لبه پرتگاه رسانده است، می بینیم امپریالیست ها که سرزمین ما را ملک خصوصی خود میدانند و خیزش قهرمانانه توده ها و حضور آنها در میدان مبارزه هراس بر دل آنان افکنده است، برای ادامه سیاست های استثمارگرانه خود زمینه ساز آلترناتیوهای دیگری مانند سلطنت طلبان که تاریخا مزدور آنها بوده اند شده اند. آنها از رسانه های وابسته به خود مرتب به نفع رضا شاه تبلیغ می کنند و برگشت سلطنت پهلوی که مردم مبارز ایران آنرا به زباله دان تاریخ سپرده اند را برای مردم آلترناتیوی در مقابل رژیم منفور جمهوری اسلامی جا می

زنند. رضا شاه به دلیل شدت و حدت دیکتاتوری اش از طرف مردم لقب قلد را گرفت. اما امروز سلطنت طلبان و نیروهای وابسته به آن سعی دارند رضا شاه را قدرتی معجزه آسا و مناسب با وضعیت فعلی نشان دهند و با جعل و دروغ و تحریف به کسی که امپریالیسم انگلیس برای تسهیل غارتگری هایش و به یغما بردن ثروت مردم و سرزمین ما سر کار آورد چهره ملی بدهند. رضا شاه، این ضد ملی ترین شاه در ایران که بدبختی های امروز مردم و جامعه ایران از بنیادی است که او به نفع امپریالیسم در ایران بوجود آورد، امروز توسط رسانه های ارتجاع "قهرمان" نامیده می شود و آنها سعی دارند وی را برای جوانانی که بدلیل اختناق و شرایط دیکتاتوری از تاریخ سرزمین خود بی خبرند، نجات دهنده مردم ایران معرفی کنند. با کوشش همین رسانه ها بود که در جریان تظاهرات و خیزش اخیر در یکی دو جا شعارهایی به نفع رضا شاه و سلطنت پهلوی شنیده شد که البته رسانه های ارتجاع برای به انحراف کشیدن مسیر مبارزات انقلابی مردم آن را رسانه ای کرده و در همه جا پخش نمودند.

در زمانی که مردم مراکز ستم را به آتش می کشند و مبارزات انقلابی اشان را پیش می برند درست در تداوم تبلیغات امپریالیستی از طرف سازمان میراث فرهنگی جمهوری اسلامی اعلام می شود که جسد مومیایی رضا شاه را پیدا کرده اند و این موضوع پیش پا افتاده ناگهان از طرف رسانه های معلوم الحال همچون بی بی سی، رادیو امریکا، من و تو و... به خبری مهم و هیجان انگیز تبدیل می گردد و آنها از این طریق می کوشند تا افکار عمومی مخصوصاً توجه نیروی جوان را نسبت به رضا شاه جلب کرده و به انحراف بکشانند.

سلطنت طلبان و رسانه های ارتجاعی در تلاش اند تا تصویری وارونه از رضا شاه نشان دهند. مثلاً آنها به ساخته شدن راه آهن در زمان رضا شاه اشاره می کنند. اما این را پنهان می کنند که این راه آهن تنها به خاطر تسهیل کار امپریالیسم انگلیس جهت لشکر کشی و رساندن وسایل جنگی برای مقابله با دولت تازه به قدرت رسیده شوروی کشیده شد. به همین خاطر هم مسیر آن از جنوب ایران که نیروها و وسایل جنگی انگلیسی ها از خلیج فارس وارد می شدند تا شمال که هم مرز شوروی بود تعیین گشت. به طور کلی امپریالیستها که با بالا گرفتن مبارزات مردم ما در مبارزات سال های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ به آن جهت مذهبی داده و دار و دسته خمینی را مقابل نیروهای انقلابی قرار دادند، امروز هم بعد از خیزش دیمه در رسانه های امپریالیستی این آلترناتیو (رضاشاه - سلطنت) را در مقابل مردم و نیروهای انقلابی علم کرده اند که باز سیاستی ضد مردمی است که باید آن را افشاء و طرد کرد. در واقع ارکستری از نیروهای ضد انقلاب تشکیل داده شده و هرکدام برای سرکوب خلق سازی را کوک کرده و به نواختن آن می پردازند.

رژیم ننگین جمهوری اسلامی امروز با شرایطی روبرو است که خود مزدوران و سران رژیم به عمق و وسعت بحران کنونی اعتراف می کنند. از طرف دیگر توده های کارگر و وسیع ترین اقشار زحمتکش و ستمدیده دیگر به هیچ وجه نمی خواهند مانند سابق به زندگی خود ادامه دهند. توده های جان به لب رسیده خواهان نابودی این رژیم با تمام جناح های درونی آن هستند و لزوم یک دگرگونی عمیق و یک انقلاب اجتماعی را در نظام استثمارگرانه کنونی با هزاران زبان فریاد می کشند. انقلاب را توده ها بوجود می آورند، انقلاب کار توده هاست، در دوره انقلاب عامی ترین توده ها نیز به سوی مبارزه سیاسی کشیده شده و برای مطالبات و خواسته های خود با فداکاری و از جان گذشتگی دست به انقلابی ترین اعمال می زنند. خیزش توده ها پروسه و پیش در آمدی برای دستیابی به هدف اصلی آنهاست که همان انجام یک انقلاب اجتماعی است. هدف و خواست توده ها دگرگون کردن مناسبات تولیدی و طبقاتی حاکم می باشد تا با دگرگونی در سیستم اقتصادی - اجتماعی که حاکم بر جامعه نظم اقتصادی - اجتماعی نوینی برقرار شود. اما درست است که انقلاب کار توده هاست اما روشنفکران نیز وظیفه و مسئولیت بزرگی در جهت پیشبرد انقلاب توده ها به عهده دارند. همان اندازه که روشنفکران و عناصر انقلابی میتوانند انقلاب توده ها را به جلو سوق دهند به همان اندازه هم عناصر

ضد انقلاب ، رفرمیست ها و یا اپورتونیست ها می توانند تاثیرات منفی خود را در انقلاب مردم به جای بگذارند. مبارزه مسلحانه نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش همواره از طرف چنین نیروهائی به عنوان خشونت تقبیح می شود. از نظر آنها گویا سرکوب و کشتار توده ها توسط رژیم های ضد خلقی و ارتکاب آنها به جنایت امری طبیعی است و گویا این حق حاکمان است که این طور عمل کنند. در نتیجه وقتی آنها از تقبیح خشونت دم می زنند منظورشان این است که توده ها نباید و حق ندارند آتش ضد انقلابی حاکمان را با آتش انقلابی خود پاسخ بدهند. اما، در شرایط کنونی روشنفکران مبارز باید در درجه اول در جهت متشکل کردن خود بکوشند تا بتوانند نقش خودشان را در پیشبرد مبارزات توده ها ایفاء کنند و انقلاب مردم را به جلو سوق دهند. تجربه نشان داده است که در شرایط دیکتاتوری حاکم بر ایران تنها تشکل سیاسی – نظامی امکان بقاء و رشد دارد. بنابراین تشکلهای گروههای سیاسی - نظامی توسط کارگران و روشنفکران متعهد و انقلابی نیاز واقعی جنبش است. این تشکل ها باید با حرکت های عملی و با بردن ایده های انقلابی به میان مردم که خواهان کسب آگاهی هستند صداقت و جدیت خود را به توده ها بشناسانند. در شرایطی که توده ها فریاد، وای به روزی که مسلح شویم و یا آتش پاسخ آتش و یا جنگ تا بجنگیم سر داده اند و به این طریق ضرورت یک مبارزه انقلابی و یک مبارزه مسلحانه را مطرح می کنند، انقلابیون باید در جهت خواست و حرکت توده ها و نیاز آنها پیش بروند و پاسخ درستی به خواست توده ها بدهند و با گفتار و رفتار انقلابی شان شایستگی کسب پشتیبانی از جانب کارگران و دیگر توده های تحت ستم ایران را به دست آورند. در پروسه چنین مبارزاتی است که می توان چشم انداز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پایان دادن به سلطه امپریالیسم در ایران را به روشنی در مقابل دید خود قرار داد.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۳۳ ، آذر ماه ۱۳۹۷